

# نقش و تأثیر مخازن اندیشه (مراکز پژوهشی)

## در سیاستگذاری خارجی

مهدی امیری\*

تحولات شتابان نظام بین‌الملل در چند دهه اخیر فرایند تدوین و اجرای تصمیمات سیاست خارجی را به مقوله‌ای پیچیده و دشوار تبدیل کرده است. نخستین گام، شناخت دقیق پدیدارها و مسائل متنوع جهانی و منطقه‌ای برای تدوین یک سیاست خارجی مناسب، موثر و کارآمد است. این مسأله اهمیت نقش نیروها و نهادهایی که وظیفه تأمین پشتوانه‌های نظری و شناختی تصمیمات سیاست خارجی بر عهده آنان است را دو چندان کرده است. به همین دلیل امروزه در بسیاری از کشورها نقش نیروهای کارشناسی در تعیین سیاست خارجی بسیار برجسته و چشمگیر است. در چنین فضایی مخازن اندیشه به عنوان مراکز مطالعاتی و پژوهشی فرصت مناسبی را برای تأثیرگذاری بر فرایند تنظیم سیاست خارجی در برخی کشورها فراهم کرده‌اند. این مراکز از راه‌های گوناگون بر این فرایند تأثیر می‌گذارند و ملاحظات و عملکرد دولت‌ها در حوزه سیاست بین‌الملل را متأثر از ایده‌ها و تجویزات خود می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: مخازن اندیشه، سیاست خارجی

### مقدمه

نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر به دلیل رشد فزاینده مسائل فراملی، افزایش شمار نیروهای تأثیرگذار بر مناسبات و معادلات بین‌المللی و تغییر الگوی و ماهیتی تعامل و تقابل بازیگران جهانی با تحولات عمده‌ای مواجه شده است. این تحولات در مجموع مؤید افزایش پیچیدگی‌های نظام بین‌الملل و مبین توسعه سطح درهم‌آمیزی جهانی به معنای اثرگذاری و اثرپذیری متقابل واحدهای تابعه رسمی و غیررسمی نظام و پیوستگی حوزه‌های سیاست و اقتصاد و امنیت و لاینفک شدن آنها از یکدیگر است. این وضعیت، فرایند تصمیم‌سازی کشورها

\* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Email: m\_amiri2000@yahoo.com

در حوزه سیاست خارجی را با دشواری‌های بیش‌تری مواجه کرده است. دولت‌ها برای بهبود موقعیت خود در نظام بین‌الملل و افزایش فرصت‌ها و امتیازات خود در عرصه جهانی باید طیف گسترده‌تری از ملاحظات و مؤلفه‌ها را مدنظر قرار دهند. به همین دلیل، فرایند تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی به فرایندی پیچیده و چندوجهی تبدیل شده است.

این مسأله اهمیت نقش نیروها و نهادهایی که وظیفه تأمین پشتوانه‌های نظری و شناختی تصمیمات سیاست خارجی را بر عهده دارند، دو چندان کرده است. فعالیت این نیروها نقش مؤثری در تبیین پدیده‌ها و تجویز گزینه‌های مطلوب مواجهه با آنها دارد. تدوین سیاست خارجی موفق و تأمین اهداف و اولویت‌های ملحوظ در آن نیازمند توجه به فعالیت کارشناسی است. به همین دلیل امروزه در بسیاری از کشورها نقش نیروهای کارشناسی در تعیین تصمیمات سیاست خارجی، نقشی مؤثر، قاطع و قابل ملاحظه است. البته بیش‌تر دولت‌ها با ادغام این نیروها در چارچوب‌های رسمی خود نهادهای کارشناسی را جزئی از پیکره حکومت کرده‌اند تا از این طریق، پروسه تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی فقط در اختیار ارگان‌های حکومتی باشد.

به‌طور مسلم در این جوامع، تبعیت از ملاحظات حکومتی ممکن است بر روند و نتایج فعالیت نیروهای کارشناسی تأثیر گذارد.

در برخی کشورها تصمیمات سیاست خارجی از لحاظ کارشناسی علاوه بر تأثیرپذیری از فعالیت نیروهای تخصصی درون حکومتی، تحت تأثیر عملکرد مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی قرار دارد که زیرنظر مستقیم دولت‌ها نیستند. در بسیاری از کشورها، مؤسسات و نهادهایی وجود دارند که با بررسی تخصصی مباحث سیاست خارجی، یافته‌های ارزشمندی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان دولتی قرار می‌دهند. تمایل حکومت برای بهره‌گیری از این یافته‌ها عملاً مؤسسات پژوهشی مذکور را در شمار نیروهای تأثیرگذار بر فرایند تدوین سیاست خارجی این کشورها قرار می‌دهد.

بدین ترتیب در مطالعه فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها، بررسی روابط میان رهبران سیاسی و کسانی که به آنها مشورت می‌دهند از اهمیت وافر برخوردار است. در کشورهای پیشرفته مرکزی که نقش ارائه مشاوره به تصمیم‌گیرندگان را بر عهده دارند در تنظیم ایده‌ها و تزریق آن به پروسه سیاستگذاری خارجی، دارای اهمیت هستند.

در میان این مراکز، گروهی که به شکل کامل یا نسبی مستقل از حکومت عمل می‌کنند به طور فزاینده‌ای جایگاه خود را در پروسه تدوین سیاست خارجی بهبود می‌بخشند. این مراکز

در ادبیات بین‌المللی اصطلاحاً تینک - تنک<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند. امروزه نقش و تأثیر تینک‌تنک‌ها یا مخازن اندیشه در پروسه شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها، موضوعی قابل توجه در مطالعه و بررسی این پروسه به حساب می‌آید.

بسیاری از سیاستمداران در عین توصل به آرا و نظرات متخصصان دانشگاه‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای و تجاری، گروه‌های ذی‌نفع در روابط خارجی، شرکت‌ها، مؤسسات حقوقی و آژانس‌های مشاوره‌ای، همچنین به منظور شناسایی، توسعه، شکل‌دهی و تکمیل ایده‌های مربوط به سیاست خارجی به طور فزاینده‌ای به نظرات محققان و اعضای مخازن اندیشه و مراکز مستقل پژوهشی تکیه می‌کنند. بدین ترتیب مطالعات مربوط به بررسی پروسه مدرن سیاستگذاری خارجی ناگزیر از توجه به نقش و نفوذ مخازن اندیشه در این فرایند است.

با توجه به اهمیت این مراکز و برای آشنایی با جایگاه نوین پژوهش، تحقیق و فعالیت کارشناسی در حوزه سیاست خارجی در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن معرفی مخازن اندیشه به عنوان مراکز پژوهشی مستقل یا نیمه مستقل، نقش آنها در حوزه مذکور بررسی شود. این بررسی می‌تواند متضمن تبیین نقش و اهمیت اساسی حوزه پژوهش در روند شکل‌گیری تصمیمات سیاست خارجی باشد.

سازماندهی این مقاله در چهار بخش صورت گرفته است. بخش اول به معرفی مخازن اندیشه و ذکر ویژگی‌ها و تقسیمات آنها می‌پردازد. بخش دوم مراحل رشد و تطور این مراکز در سطح جهان را تبیین می‌کند. بخش سوم به بررسی نقش مخازن اندیشه در پروسه سیاست خارجی اختصاص دارد و بخش چهارم نیز در قالب یک مطالعه موردی، عملکرد و فعالیت مخازن اندیشه در ایالات متحده آمریکا - که شمار زیادی از این مراکز در آن فعالند - را بررسی می‌کند.

قبل از ورود به بحث اصلی، ذکر یک نکته ضروری است، باتوجه به استفاده وسیع از واژه «تینک‌تنک» هنوز در ادبیات بین‌المللی معادل فارسی مناسبی برای این لغت پیدا نشده است. از این رو با توجه به نوع تعریفی که از تینک‌تنک‌ها وجود دارد و همچنین با در نظر گرفتن نوع وظایف و کارکرد آنها، در این مقاله از عبارت «مخازن اندیشه» به عنوان لغت جایگزین استفاده می‌شود.

---

1. Think - tank

## ۱. تعاریف و تقسیمات مخازن اندیشه

در بررسی تعاریف و توضیحاتی که درباره ماهیت، کارکرد و ویژگی مخازن اندیشه ارائه شده است، با این واقعیت مواجه می‌شویم که هنوز میان کارشناسان و تحلیلگران اجماع نظر کاملی در تعریف این مراکز وجود ندارد. برخی از متخصصان بر ماهیت غیرحکومتی آن‌ها تأکید دارند و مراکز پژوهشی وابسته به حکومت را در تعریف مخازن اندیشه نمی‌گنجانند (تعریف ماهیت محور)، در حالی که برخی دیگر از کارشناسان صرفاً بر کارکرد پژوهشی و مشاوره‌ای این مراکز تأکید داشته و برای ماهیت حکومتی یا غیرحکومتی آنها اهمیت خاصی قائل نیستند (تعریف کارکرد محور).

با این حال از طریق ارائه تعاریف مختلفی که از مخازن اندیشه به عمل آمده می‌توان برخی شاخصه‌ها و ویژگی‌های مشترک میان آنها را شناسایی کرد.

### ۱-۱. مشکل در مقام تعریف

مخازن اندیشه و مؤسسات فعال در حوزه سیاست عمومی<sup>۱</sup> به طور قابل ملاحظه‌ای در مقیاس، ساختار، قلمرو و اهمیت سیاسی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت، مشکلات قابل توجهی را در تعریف مخازن اندیشه یا تینک‌تَنک‌ها به وجود می‌آورد. واژه تینک‌تَنک و واژه «مؤسسه سیاسی» گهگاه به جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که این کاربرد همیشه مناسب و متناسب نیست. در واقع مؤسسه سیاسی مجموعه وسیع‌تری است که با کارکردهای تحلیلی و تحقیق سیاسی نیز سروکار دارد. این فعالیت ممکن است در چارچوب یک محیط خصوصی یا حکومتی انجام شود. در قرن گذشته، واژه تینک‌تَنک با نوع ویژه‌ای از یک نهاد برخوردار از وضعیت حقوقی قرابت داشته و به عنوان سازمانی غیرانتفاعی<sup>۲</sup> که بیش‌تر در امریکا و سیستم‌های سیاسی نظیر انگلستان، استرالیا و کانادا فعال بودند شناخته شده است. این تعریف درباره آن بخش از اروپا که واژه تینک‌تَنک به بسیاری از مجموعه‌های رسمی و نیمه‌رسمی اطلاق می‌شد، قابل کاربرد نیست.<sup>(۱)</sup>

علی‌رغم گرایش ژورنالیست‌ها برای نامیدن همه انواع مؤسسات تحقیقاتی به «مخازن اندیشه»، درباره این که عناصر تشکیل‌دهنده چنین سازمانی کدامند، اجماع کمی دارند.

1. Public Policy Institutes
2. Nonprofit Organization

گذشته از شناسایی این موضوع که مخازن اندیشه سازمان‌های مستقل و غیرانتفاعی متشکل از افراد علاقه‌مند به سلسله گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با حوزه سیاست عمومی هستند، محققان در ایجاد و ارائه یک تعریف جامع که به طرز صحیحی مشخص کند که مخازن اندیشه چیستند و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند کدامند، ناتوان بوده‌اند.

مخازن اندیشه در مقیاس، منابع مالی، ترکیب اداری و حوزه‌های تخصصی با یکدیگر متفاوتند و موضوعات تحقیقی متنوعی را در دستور کار خود قرار می‌دهند. در نتیجه هیچ تعریف واحدی نمی‌تواند به طور کافی تمامی نقش‌ها و وظایفی که این سازمان‌ها به انجام می‌رسانند را تبیین کند.<sup>(۲)</sup>

البته محققان امریکایی تلاش کرده‌اند تا مخازن اندیشه را طبقه‌بندی کنند، اما عملاً وظایف انجام شده به وسیله این مجموعه‌ها اغلب با یکدیگر تداخل دارند.<sup>(۳)</sup>

لازم به ذکر است که واژه تینک‌تینک اولین بار در امریکا و در جریان جنگ جهانی دوم برای توصیف محیط امنی که در آن متخصصان نظامی و غیرنظامی به پرورش و تدوین طرح‌های تهاجمی<sup>۱</sup> و سایر استراتژی‌های جنگی<sup>۲</sup> می‌پرداختند به وجود آمد. تا دهه هفتم قرن بیستم، این واژه حوزه‌ای گسترده از مؤسساتی را در برمی‌گرفت که به تحقیق و تحلیل سیاست خارجی و استراتژی دفاعی و نیز مسائل جاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌پرداختند.

در سطح وسیع‌تر، ممکن است مخازن اندیشه نهادهایی معرفی شوند که درگیر تحقیقات سیاسی، تحلیل و فعالیت‌های عمومی هستند. این سازمان‌ها به شکاف میان دانش محققان و قدرت سیاستگذاران و سایر رهبران سیاسی پل می‌زنند. اغلب از مخازن اندیشه با نام «دانشگاه‌های بدون دانشجو»<sup>۳</sup> یاد می‌شود، جایی که در آن گروهی از روشنفکران و متخصصان برای تحقیقات و تحلیل‌های میان رشته‌ای<sup>۴</sup> گرد هم می‌آیند. با در نظر داشتن منابع مالی در دسترس و کیفیت و وسعت دانش محققان، مخازن اندیشه نقش مهمی را در فرایند سیاستگذاری<sup>۵</sup> انجام می‌دهند.<sup>(۴)</sup>

با وجود برخی تفاوت‌ها در تعریف مخازن اندیشه، اجماع قابل تشخیصی در این باره وجود دارد و آن این است که این مراکز بیش‌تر مجموعه‌هایی بی‌طرف، برخوردار از ماهیت

1. Invasion Plans
2. Combat Strategies
3. University without Students
4. Interdisciplinary Research and Analysis
5. Policy Making Process

عمومی، غیرمتمرکز و دارای اهداف خیرخواهانه هستند. تصویری که این اصل تئوریک ارائه می‌دهد، تصویری است بر این مبنا که، اولاً، مخازن اندیشه در اجرا و اداره سیاست‌های حکومتی درگیر نیستند هر چند علاقه‌مندند در میدان سیاست نقش اطلاع‌رسانی را برعهده داشته باشند، ثانیاً، مخازن اندیشه به لحاظ فکری مستقل‌اند، موضوع تحقیقات از سوی خود آن‌ها تعیین می‌شود نه به‌وسیله مجموعه‌های بیرونی، بیش‌تر مخازن اندیشه می‌کوشند که از منابع تأمین بودجه مختلفی برخوردار باشند که به‌وسیله آن تمامیت و استقلال فکری<sup>۱</sup> خود را حفظ نمایند، ثالثاً، مخازن اندیشه به سبب روح و ماهیت عمومی‌شان شناخته می‌شوند. آن‌ها نمایندگی یک گروه خاص را ندارند، بلکه برای ایجاد مجموعه‌ای از دانش و علوم، افزایش آگاهی عمومی از مسائل و بهبود سیاست‌ها به تحقیقات می‌پردازند.<sup>(۵)</sup>

تعریف فوق می‌تواند مصداق یک توصیف آرمانی از مخازن اندیشه باشد. برخی تحلیلگران اعتقاد دارند که عموماً، تحقیقات ارائه شده از سوی مخازن اندیشه به لحاظ ایدئولوژیکی در تطابق با علائق بنیان این مراکز قرار دارد.<sup>(۶)</sup>

طبق فهم و برداشت آنگلو - امریکن<sup>۲</sup> از مخازن اندیشه، این مراکز، سازمان‌های به نسبت خودمختاری هستند که در تولید عقاید یا تحلیل موضوعات سیاسی به گونه‌ای مستقل از حکومت، احزاب سیاسی<sup>۳</sup> و گروه‌های فشار<sup>۴</sup> درگیر هستند. این خودمختاری نسبی است، چرا که مخازن اندیشه در روابط مالی اغلب از نهادهای مذکور متأثر هستند. تأمین بودجه ممکن است از منابع حکومتی انجام شود، اما با وجود این تینک‌تنک‌ها می‌کوشند که آزادی تحقیقاتی و استقلال پژوهشی خود را حفظ کنند و حداقل ادعا می‌کنند که به منافع گروهی خاص وابسته نیستند.

واژه تینک‌تنک به طور اتفاقی برای هر نوع نهادی که عهده‌دار انجام تحقیقات سیاسی، تکنیکی و علمی بوده به کار رفته است. چنین سازمانی ممکن است در چارچوب حکومت فعالیت کند (همانند گروه مشاوران سیاسی در کمیسیون اروپا)<sup>۵</sup> و همچنین ممکن است در قالب نهادهای علمی شکل گرفته باشد. با گسترش مخازن اندیشه در سایر کشورها و مناطق، این واژه به لحاظ مفهومی هم شامل سازمان‌های مستقل و هم شامل سازمان‌های نیمه مستقل

1. Intellectual Integrity
2. Anglo - American
3. Political Parties
4. Pressure Groups
5. Group of Policy Advisors Within European Commission

می‌شود. این واژه برای واحدهای تحقیقاتی حکومتی که از منافع و علائق سیاسی جدا نیستند نیز به کار برده شده است. همان‌طور که فیسکی<sup>۱</sup> و گافنی<sup>۲</sup> استدلال کرده‌اند در فرانسه مشکل اصلی در تعریف مخازن اندیشه مربوط به رابطه این مراکز با دولت و مربوط به این واقعیت است که در حوزه سیاست مرز میان روشنفکری یا حداقل نوع خاصی از روشنفکری با سیاستمداری روشن نیست.<sup>(۷)</sup>

استروب تالبوت،<sup>۳</sup> رئیس مؤسسه مطالعاتی معروف بروکینگز<sup>۴</sup> در امریکا در تعریف مخازن اندیشه خاطر نشان می‌کند که آراء و عقاید مواد خامی هستند که این مراکز با آن سروکار دارند. به گفته وی، مخازن اندیشه یا به عبارت صحیح‌تر «سازمان‌های تحقیقاتی حوزه سیاست عمومی»<sup>۵</sup> اعتبار و مطلوبیت عقایدی که پایه‌های سیاست را تشکیل می‌دهند را بررسی می‌کنند و ایده‌های جدیدی را که ممکن است بنیان‌گذار سیاست‌های آتی باشند گسترش می‌دهند.<sup>(۸)</sup>

آلن اسمیت<sup>۶</sup>، تاریخدانی که نویسنده چندین کتاب درباره مخازن اندیشه است در عنوان یکی از کتاب‌های خود مراکز مذکور را «دلالتان عقیده»<sup>۷</sup> توصیف کرده است.<sup>(۹)</sup>

در مجموع مخازن اندیشه با فراهم ساختن اطلاعات و تحلیل مسائل سیاسی مسیر تصمیم‌گیری را برای سیاستمداران هموار می‌کنند و بدین ترتیب بر چرخه سیاستگذاری تأثیر می‌گذارند.

## ۲-۱. اقسام مخازن اندیشه

علی‌رغم مؤلفه‌های مذکور، تقسیمات مختلفی از انواع مخازن اندیشه به عمل آمده است. در امریکا برخی این مراکز را در قالب گروه‌های محافظه‌کار یا لیبرال تقسیم‌بندی می‌کنند و برخی دیگر صورت‌بندی‌های دیگری از تینک‌تک‌ها ارائه می‌دهند. اگر مخازن اندیشه به موضوعی خاص برای تشویق نظام بازار آزاد،<sup>۸</sup> حکومت محدود،<sup>۹</sup>

1. Fieschi
2. Gaffney
3. Strobe Talbott
4. The Brookings Institution
5. Public Policy Research Organization
6. Allen Smith
7. The Idea Brokers
8. Free Market System
9. Limited Government

آزادی بیان در حوزه مذهب (یا در حوزه اجتماعی) و ارزش‌های مربوط به خانواده سنتی بپردازند در گروه مراکز محافظه‌کار قرار می‌گیرند. چنانچه به موضوعی خاص برای به‌کارگیری سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی برای غلبه بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، فقر یا دستمزدهای پایین بپردازند یا چنانچه به دنبال عدالت اجتماعی مترقیانه، محیط پایدار و باثبات باشند یا طرفدار هزینه‌های پایین دفاعی باشند در گروه مخازن اندیشه لیبرال قرار می‌گیرند. سازمان‌هایی هم که در قالب این دو گروه کلی ایدئولوژیکی نمی‌گنجد سازمان‌های میانه‌رو یا بدون ایدئولوژی قابل تشخیص نامیده می‌شوند.<sup>(۱۰)</sup>

در مطالعات دیگر، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از مخازن اندیشه ارائه شده است و این مراکز به سه گروه متفاوت تقسیم شده‌اند. هر یک از این سه گروه در سبک فعالیت، الگوهای جذب نیرو و توجه به استانداردهای آکادمیک<sup>۱</sup> اهداف خود با یکدیگر تفاوت دارند. ممکن است مخازن اندیشه یکی از سه نوع اساسی مخازن اندیشه یا ترکیبی از آن‌ها باشند. این سه نوع عبارتند از: مخازن اندیشه آکادمیک<sup>۲</sup>، مخازن اندیشه دارای محققان قراردادی<sup>۳</sup> و مخازن اندیشه با جهت‌گیری هوادارانه.<sup>۴</sup>

مخازن اندیشه آکادمیک و قراردادی تشابهات زیادی با یکدیگر دارند. از جمله آن‌ها که هر دو دارای افرادی هستند که مدارک علمی بالایی از دانشگاه‌های مشهور دارند؛ هر دو بر استفاده دقیق از روش‌های تحقیقات علوم اجتماعی<sup>۵</sup> تأکید دارند و برای تحقیق واقع‌گرایانه، مستقل و معتبر ارزش قائلند. البته مخازن اندیشه در منابع تأمین بودجه، برنامه کاری و داده‌های تحقیقاتی با یکدیگر متفاوتند.<sup>(۱۱)</sup>

مراکز پژوهشی که جهت‌گیری علمی دارند نظیر مؤسسه بروکینگز و مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی<sup>۶</sup> مستقر در امریکا از طریق ترکیبی از بنیادهای خصوصی<sup>۷</sup>، شرکت‌ها و افراد، تأمین مالی می‌شوند. آنها مطابق با الگوی اجماع دانشکده‌ای مدیریت عمل می‌کنند. در این الگو موضوعات کاری از طریق فرایند تصمیم‌گیری از «پایین به بالا» تعیین شده‌اند و محققان نقشی حیاتی در این فرایند ایفا می‌کنند. اغلب داده‌های تحقیقاتی مخازن اندیشه آکادمیک شکل

1. Academic Standards
2. Academic Think Tanks
3. Contract Researchers Think Tanks
4. Advocacy Oriented Think Tanks
5. Social Science Research Methods
6. Centre for Strategic and International Studies
7. Private Foundations



مطالعاتی به خود می‌گیرند که از نظر حجم مطالب به اندازه کتاب هستند یا به صورت مقالات ژورنالیستی در می‌آیند. برخی محققان نظیر کسانی که در شرکت رند<sup>۱</sup> (مؤسسه تحقیقاتی قراردادی) کار می‌کنند به عنوان مشاوران سیاسی و برنامه‌ای به کار گرفته می‌شوند. آنها در نهایت ممکن است شاهد برخی تنش‌ها میان اصل بی‌طرفی علمی<sup>۲</sup> و ترجیحات سیاسی<sup>۳</sup> متقاضیان خود باشند. داده‌های تحقیقاتی عموماً به شکل گزارش به متقاضیان واگذار می‌شود و کم‌تر به صورت کتاب و مقاله در میان عموم توزیع می‌شوند.<sup>(۱۲)</sup>

حتی در این میان مخازن اندیشه بی‌طرف و جانبدار، مستقل از حکومت عمل می‌کنند، اما با منافع یا موضوعات ایدئولوژیکی خاصی ارتباط دارند. هدف آنها بُرد، در جنگ عقاید<sup>۴</sup> است که ممکن است با شناسایی بهترین سیاست‌ها منطبق باشد یا نباشد. تأمین مالی از طریق منابع مرتبط با منافع ایدئولوژیکی آنها صورت می‌گیرد.

نیروی انسانی آنها بیش‌تر از حکومت، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع<sup>۵</sup> تأمین می‌شود تا از دانشگاه‌ها، از این‌رو این نیروها به نسبت همکاران خود در مخازن اندیشه آکادمیک دارای مدرک پائین‌تری هستند. در این مراکز بر بازاریابی برای مطالعات انجام شده که از یک کیفیت ژورنالیستی<sup>۶</sup> برخوردار بوده و اغلب بر مسائل جاری قانونی و علائق فوری سیاسی تمرکز دارد، تأکید فراوان می‌شود.<sup>(۱۳)</sup>

دسته‌بندی‌های فوق درباره انواع مراکز پژوهشی و تحقیقاتی دنیا ارائه شده است. با این حال باید توجه داشت که هنوز تمایزات دقیقی میان مخازن اندیشه روشن نشده است. از این‌رو یک مرکز پژوهشی ممکن است واجد ویژگی‌هایی باشد که به طور همزمان آن را در دسته‌بندی‌های مختلف قرار دهد. در عین حال با توجه به افزایش مطالعات مربوط به مخازن اندیشه، پیش‌بینی می‌شود که در آینده تقسیم‌بندی‌های جدیدتر و روشن‌تری از این مراکز ارائه شود.

### ۳-۱. منابع مالی مخازن اندیشه

موضوع چگونگی تأمین نیازها و منابع مالی مراکز فکری و پژوهشی یکی از مهم‌ترین مباحث و

1. RAND Corporation
2. Scholarly Objectivity
3. Policy Preferences
4. Win the War of Ideas
5. Interest Groups
6. Journalistic Quality

مسائل این مراکز به حساب می‌آید. از آنجایی که بسیاری از مخازن اندیشه فاقد وابستگی کامل به نظام سیاسی هستند باید به صورت مستقل به تأمین بودجه مورد نیاز خویش بپردازند. البته در بسیاری از کشورها، دولت‌ها تأمین‌کننده بخشی از نیازهای مالی مخازن اندیشه هستند، اما این مراکز در تلاش برای حفظ استقلال فکری و پژوهشی خود باید در پی تأمین منابع مالی خود از مجاری غیرحکومتی نیز باشند. بسیاری از این مراکز از طریق عرضه محصولات و تولیدات فکری خود به نهادها و آژانس‌های حکومتی در سطوح ملی و محلی (به عنوان اصلی‌ترین متقاضیان این محصولات) و سیاستمداران، دانشگاه‌ها و دانشجویان، شرکت‌ها و کمپانی‌ها، بخش‌های خصوصی، رسانه‌ها، شرکت‌های حقوقی، سازمان‌های غیردولتی و کمپانی‌های مشاوره‌ای تلاش می‌کنند تا منابع مالی خود را متنوع سازند.

طبعاً یک مؤسسه تحقیقاتی سیاسی نمی‌تواند صرفاً از طریق حق عضویت، فروش کتاب یا گرفتن هدایا هزینه‌های خود را تأمین کند. با توجه به مشکلات و محدودیت‌های مالی، مخازن اندیشه شیوه‌های افزایش بودجه خود را گسترش داده‌اند. یکی از شیوه‌هایی که مخازن اندیشه برای حفظ بودجه خود انجام می‌دهند این است که از وزارتخانه‌ها یا سفارتخانه‌ها بخواهند که فعالیت‌هایی نظیر برگزاری کنفرانس‌ها را با میزبانی یا مشارکت آن‌ها انجام دهند.

برای بیش‌تر تینک‌تنک‌های اروپای غربی، دولت مهم‌ترین منبع تأمین بودجه است. در این میان مخازن اندیشه در انگلستان که سرمایه خود را از حکومت دریافت نمی‌کنند یک استثنا به حساب می‌آید. در اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا یک منبع درآمد مهم به حساب می‌آید. برای تعدادی از مخازن اندیشه اتحادیه اروپا در شهر بروکسل - که هیچ سرمایه دولتی دریافت نمی‌کنند - کمیسیون اروپا یک منبع کلیدی تأمین بودجه به حساب می‌آید.<sup>(۱۴)</sup> علاوه بر بودجه جداگانه برای تأمین هزینه‌های مخازن اندیشه، برنامه‌های متعدد تأمین مالی در درون اتحادیه اروپا وجود دارند که برای طرح از سوی این مراکز مفتوح هستند. طرح موسوم به برنامه چارچوب ششم اتحادیه اروپا یکی از بزرگ‌ترین منابع تأمین مالی سازمان‌ها در درون اتحادیه اروپا و کشورهای نامزد عضویت در این اتحادیه است. یکی از اهداف این برنامه تشویق همکاری میان سازمان‌های اروپایی است.

تینک‌تنک‌های اتحادیه اروپا (مستقر در بروکسل) به منابع مالی دولت‌های عضو دسترسی ندارند، بیش‌تر این مراکز از سوی کمیسیون اروپایی تأمین مالی می‌شوند.

1. EU's Sixth Framework Programme (FP6)

ضرورت‌ها و نیازهای مالی، اتکای مخازن اندیشه این اتحادیه به حق عضویت اعضا و کمک‌های اعطایی را افزایش داده است.<sup>(۱۵)</sup>

در استرالیا منابع مالی مخازن اندیشه از مجاری متفاوتی بدین شرح تأمین می‌شوند: اهدای هدایا، شرکت‌ها، اشخاص، انتشارات و کنفرانس‌ها.

حکومت نیز از دیگر منابع غنی تأمین بودجه مخازن اندیشه در استرالیا به حساب می‌آید. بنیاد منزیس،<sup>۱</sup> مخزن اندیشه طرفدار بازار از حزب لیبرال است که در سال ۱۹۹۷ از یکصد هزار دلار کمک اعطایی حکومت لیبرال بهره‌مند شد. بخش عمده‌ای از بودجه مخازن اندیشه استرالیا نیز از سوی شرکت‌ها تأمین می‌شود. برای مثال مدیر مؤسسه پژوهشی CIS<sup>۲</sup> تصریح کرده است که او بخش عمده منابع مالی خود را از شرکت هاگ مورگان<sup>۳</sup> تأمین کرده است.<sup>(۱۶)</sup>

در آمریکا که بیش‌ترین مخازن اندیشه در حوزه سیاست خارجی در آن فعالند شیوه‌های مختلفی برای تأمین منابع مالی این مراکز وجود دارد. برای شناخت این شیوه‌ها در این مقاله به مهم‌ترین منابع تأمین بودجه تعدادی از برجسته‌ترین مخازن اندیشه که در حوزه سیاست خارجی فعال هستند، اشاره می‌شود.

مؤسسه اینترپرایز آمریکا<sup>۴</sup> یک سازمان مستقل و غیرانتفاعی است که عمدتاً از طریق عطایا و کمک‌های فراهم شده از سوی بنیادها، شرکت‌ها و افراد حمایت می‌شود. بودجه این مرکز در سال ۲۰۰۰، ۱۷ میلیون دلار است.

مؤسسه کارنگی<sup>۵</sup> از بودجه سالانه ۱۸/۳ میلیون دلاری برخوردار است. بیش‌تر سرمایه این مؤسسه از کمک‌های اعطایی، اجاره‌بها و انتشارات شامل انتشار مجله «فارن پالیسی»<sup>۶</sup> - یکی از برجسته‌ترین مجلات حوزه سیاست و اقتصاد بین‌الملل در دنیا - تأمین می‌شود.

مؤسسه کاتو<sup>۷</sup> برای حفظ استقلال خود هیچ سرمایه یا کمک حکومتی را نمی‌پذیرد. کمک‌کنندگان به این مؤسسه اشخاص، شرکت‌ها و بنیادها هستند. سایر درآمدهای این مرکز از فروش انتشارات و درآمدهای ناشی از برگزاری کنفرانس‌ها تأمین می‌شود.

1. Menzies Foundation
2. Commonwealth of Independent States
3. Hugh Morgan
4. American Enterprise Institute
5. Carnegie
6. Foreign Policy Magazine
7. Cato Institute

مرکز مطالعات عدم تکثیر تسلیحات<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۸۹ پایه‌گذاری شد از بودجه سالانه ۶/۵ میلیون دلاری برخوردار است. این مرکز مؤسسه‌ای آموزشی و غیرانتفاعی است و از سوی افراد، بنیادها و شرکت‌ها حمایت می‌شود.<sup>(۱۷)</sup>

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل نیز از طریق کمک‌های شرکت‌ها، بنیادها و افراد، ۸۵ درصد از درآمدهایی را که برای تأمین بودجه این مرکز مورد نیاز است، تأمین می‌کند. باقیمانده سرمایه این مرکز از کمک‌ها، قراردادهای حکومتی و فروش انتشارات به دست می‌آید. شورای روابط خارجی<sup>۲</sup> مؤسسه‌ای مستقل و البته معاف از مالیات است که از طریق حق عضویت، هدایا، کمک بنیادها، اشخاص و شرکت‌ها تأمین مالی می‌شود.

مرکز پژوهشی هریتیج فاندیشن<sup>۳</sup> نیز که بودجه‌ای ۲۸/۴ میلیون دلاری دارد از طریق کمک‌های اعطایی از سوی اعضا، شامل شرکت‌ها و بیش از ۲۰۰ هزار نفر در سراسر امریکا حمایت می‌شود.<sup>(۱۸)</sup>

مؤسسه تحقیقاتی بروکینگز بودجه لازم را از یک مرکز موقوفه که به‌وسیله رابرت بروکینگز بنیانگذار این مؤسسه تأسیس شده است و نیز از عطایا و هدایای ارائه شده از سوی بنیادها، شرکت‌ها و اشخاص و نیز از برخی منابع درآمدی همچون بخش انتشارات مؤسسه که بیش از پنجاه کتاب را در سال منتشر می‌کند و مرکز آموزش سیاست عمومی که سمینارهای آموزشی و اجرایی را برای مدیران حکومتی و شرکتی برگزار می‌نماید تأمین می‌کند.<sup>(۱۹)</sup>

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در ایالات متحده امریکا بسیاری از مخازن اندیشه از نظر مالی از سوی نیروهای غیرحکومتی از جمله افراد، بنیادها و شرکت‌ها و نیز از محل فروش و عرضه تولیدات تحقیقاتی و پژوهشی خود تأمین مالی می‌شوند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی، حکومت همچنان یک منبع عمده درآمد برای این مراکز است.

## ۲. مراحل رشد و گسترش مخازن اندیشه

### ۲-۱. امواج سه‌گانه توسعه مخازن اندیشه

به لحاظ تاریخی، رشد مخازن اندیشه با مجموعه‌ای از وقایع عمده سیاسی، اجتماعی و

1. Centre for Nonproliferation Studies  
2. Council on Foreign Relations  
3. Heritage Foundation

اقتصادی که خرد متعارف را متحول کرد و سیاستگذاران را مجبور به جستجوی راهکارهای خلاقانه برای مشکلات جدید و پیچیده نمود در ارتباط است. در ابتدای قرن گذشته، چالش‌های مربوط به مدیریت اقتصادهای صنعتی همراه با افزایش تعهدات خارجی کشورها نیاز و تقاضایی را برای ورود علم و عقل به ساختار و تصمیمات حکومتی به وجود آورد. معدودی از سیاستمداران و انسان‌های خیرخواه اعتقاد داشتند که این مؤسسات که توجه اولیه آنها نه به آموزش، بلکه به تحقیق و تحلیل است لازمند. رهبران اولین موج مخازن اندیشه اعتقاد داشتند که علم مدرن می‌تواند برای حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استفاده شود. آنها به سیاستمداران حکومتی مشورت کارشناسانه، بی‌طرفانه و بی‌غرضانه ارائه می‌دادند.<sup>(۲۰)</sup>

به دنبال جنگ جهانی دوم، در پاسخ به افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی که سیاستمداران را مورد چالش قرار می‌داد، موجی از گسترش مخازن اندیشه روی داد. در این دوره سیاستمداران همانند کسانی که رویکردی بشردوستانه به مسائل دارند مزایای مؤسسات تحقیقاتی مستقلی که توانایی پرداختن به تحقیقات استراتژیک بلندمدت<sup>۱</sup> را داشته و فاقد محدودیت‌های زمانی و مسئولیت‌های روزمره مقامات حکومتی بودند را به رسمیت شناختند.

در اواسط دهه هفتم و هشتم قرن بیستم توسعه سریع مخازن اندیشه‌ای که جهت‌گیری جانبدارانه داشتند اتفاق افتاد. این مراکز برای پیشبرد فلسفه‌ای خاص و بازاریابی ایده‌های خود برای مخاطبان مختلف سازماندهی شدند. بنیانگذاران و رهبران این نوع از مخازن اندیشه اهمیت دخالت در عرصه سیاست را به رسمیت شناختند و تصمیم گرفتند که فعالانه و به صورت مؤثر بر سیاستمداران، افکار عمومی و رسانه‌های گروهی تأثیر گذارند، در نتیجه آن‌ها به هواداران اصلی سیاست محدودیت‌زدایی، تفویض برنامه‌های حکومتی به ایالت‌ها (در کشورهای ایالتی) و افزایش بودجه دفاعی تبدیل شدند.<sup>(۲۱)</sup>

لازم به ذکر است که فرایند توسعه مخازن اندیشه در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. در پایان قرن بیستم مشخص شد که بیش از ۱۲۰۰ تینک‌تک در امریکا تأسیس شده‌اند. در کشورهای اروپایی تعداد این مراکز به نسبت کم‌تر است. تحلیلگران امریکایی اغلب ادعا می‌کنند که نظام امریکا بازتر، مستحکم‌تر و نفوذپذیرتر از نظام‌های سیاسی اروپایی است. آنها عمدتاً تصور می‌کنند که به سبب عامل‌هایی نظیر نظام‌های حزبی قوی‌تر،

شیوه‌های کورپوراتیستی<sup>۱</sup> تصمیم‌گیری، بوروکراسی‌های قوی و نسبتاً بسته<sup>۲</sup> یا ضعف تشکیلات مرتبط با امور بشردوستانه در اروپا و مناطق دیگر فرصت‌های کم‌تری برای ورود مخازن اندیشه به رقابت سیاسی وجود دارد.

البته چنین فرضیاتی درباره شرایط استثنایی ساختارها و مؤسسات سیاسی امریکا با ارزش نیست. در اروپای مرکزی و شرقی و همچنین در آسیا رشد تینک‌تک‌ها وجود دارد، این امر خود مؤید آن است که سایر نظام‌های سیاسی نیز شرایط مناسبی را برای رشد این مراکز فراهم می‌کنند.<sup>(۲۲)</sup>

در بریتانیا موج اول توسعه مخازن اندیشه در اواخر قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. در این کشور مؤسسات تحلیل سیاسی خارج از حکومت، از نظر سبک علمی و از نظر کانون فعالیت، متکی به معلومات عمومی بودند. آن‌ها آثاری بنیادی و در حد کتاب تولید می‌کردند.

موج اول با شمار کم‌تری از مؤسسات پژوهشی، در آلمان و اتریش نیز اتفاق افتاد. البته این مؤسسات در تعداد بسیار کم‌تر بوده و برخی اوقات ساختار غیررسمی‌تری داشتند.

موج دوم رشد مخازن اندیشه در بسیاری از کشورهای اروپای غربی از سال ۱۹۴۵ تا اواخر دهه هفتم قرن بیستم اتفاق افتاد. این زمان جزء مرحله‌ای بود که برخی از مشهورترین مؤسسات اروپایی که در سطح این قاره فعالیت می‌کردند به وجود آمدند. در این دوره رشد گسترده‌ای در ظرفیت تحقیقات و تحلیل‌های سیاسی در داخل و خارج حکومت اتفاق افتاد، البته این تحول با سرمایه‌گذاری حکومت‌ها به وقوع پیوست.<sup>(۲۳)</sup>

موج سوم از دو دهه قبل آغاز شد و باعث گسترش مخازن اندیشه مستقل در سراسر دنیا شد. ویژگی‌هایی وجود دارند که مشخصه این مقطع هستند. تخصصی شدن توجه و مطالعه سیاسی در این دوره چشمگیرتر شد؛ در این دوره تعداد مخازن اندیشه فعال در امور زیست محیطی،<sup>۳</sup> مراکز مطالعات صلح،<sup>۴</sup> مؤسسات سیاست‌کاری<sup>۵</sup> و مراکز مطالعه سیاست پولی<sup>۶</sup> افزایش یافت.

ویژگی مهم دیگر این دوره موضع‌گیری ایدئولوژیکی بسیاری از مؤسسات جدید با

1. Corporatist Modes of Decision Making
2. Strong and Relatively Closed Bureaucracies
3. Environmental Think Tanks
4. Peace Studies Centres
5. Labor Policy Institutes
6. Centres for Study of Monetary Policy

دستور کارهای صریح هنجاری بود. البته این گرایش در برخی کشورها (نظیر بریتانیا و فرانسه) نسبت به سایرین (آلمان) بیش تر بود. مراکز موسوم به مخازن اندیشه راست جدید<sup>۱</sup> آشکارترین نمونه‌های مؤسسات ایدئولوژیکی هستند که از اواخر دهه هفتم قرن بیستم پایه‌گذاری شدند.<sup>(۲۴)</sup>

در حال حاضر به نظر می‌رسد که موج جدیدی از گسترش مخازن اندیشه آغاز شده است. سازمان‌ها و مؤسسات فعال در زمینه تحلیل سیاسی علائق تحقیقاتی خود را به فراتر از مرزهای دولت - کشور گسترش داده‌اند، این مسیر در بین مخازن اندیشه مستقل قابل مشاهده‌تر است.

## ۲-۲. موج چهارم (بین‌المللی شدن مخازن اندیشه)

پیشرفت در نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطات دوربرد به صورت وسیعی دامنه و تأثیر همکاری میان نهادهای مطالعاتی و محققان را گسترش داده است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی به کارکنان مخازن اندیشه اجازه می‌دهد که به صورت مؤثرتری در گستره مرزهای بین‌المللی ارتباط برقرار کرده و به فعالیت بپردازند و مبادلات دو و چندجانبه (در این حوزه) به شکل روزمره اتفاق می‌افتد. شبکه جهانی اینترنت، مخازن اندیشه دنیا را قادر ساخته است که با یکدیگر به شیوه‌ای که تا همین چند سال پیش غیرقابل تصور بود تماس بگیرند. گردهمایی‌ها، کنفرانس‌ها و مناظرات بین‌المللی هم اکنون به صورت منظم از طریق اینترنت برگزار می‌شود. اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک با مشارکت محققان چند کشور امری عادی به حساب می‌آید. اخیراً مؤسساتی نظیر مؤسسه کارنگی، شبکه توسعه جهانی بانک جهانی،<sup>۲</sup> شبکه سیاست عمومی جهانی سازمان ملل<sup>۳</sup> و برنامه تینک‌تنک‌ها و جوامع مدنی مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی،<sup>۴</sup> زمینه همکاری با مخازن اندیشه سایر مناطق دنیا را ایجاد کرده‌اند. این مؤسسات تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد شبکه‌هایی بین‌المللی به تحلیل مسائل جهانی، شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها و تأثیرگذاری بر برنامه‌ها و اولویت‌های مؤسسات بین‌المللی بپردازند. به علاوه، شبکه‌هایی منطقه‌ای در اروپا، آسیا، آفریقا و امریکای لاتین (در تعداد مساوی) برای دستیابی به اهداف مشابه سازماندهی شده‌اند.<sup>(۲۵)</sup>

1. New Right Think Tanks
2. World Bank's Global Development Network
3. United Nation's Global Public Policy Network
4. Foreign Policy Research Institute's Think Tanks and Civil Societies Program

شبکه‌های بین‌المللی مخازن اندیشه، تحت تأثیر تحولات جهانی، در حوزه‌های منافع مشترک و موضوعات سیاسی و نیز ایدئولوژی با یکدیگر ادغام شده‌اند.<sup>(۲۶)</sup> امروزه برای توصیف این مراکز از عبارت «شبکه‌های سیاست عمومی جهانی»<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. بیش‌تر این شبکه‌ها در دهه گذشته شکل گرفته و شیوه‌های نوینی را برای جمع‌آوری دانش و انتشار اطلاعات در موضوعات مشخص امتحان کرده‌اند. در شرایطی که حوزه سیاست عمومی به شکل فزاینده‌ای متأثر از شرایط جهانی شده است، مؤسسات رسمی تصمیم‌سازی،<sup>۲</sup> مجالس ملی، آژانس‌های حکومتی<sup>۳</sup> و مؤسسات چندجانبه در میان دیگر مؤسسات، فاقد میدان دید، سرعت و تماس‌های لازم برای کسب و استفاده اطلاعات قاطع مورد نیاز برای تنظیم سیاستی مؤثر هستند.<sup>(۲۷)</sup>

شبکه‌های سیاست عمومی جهانی پاسخی به دو نیرو و پدیده مهم بودند که در قرن بیستم شکل گرفته و به سراسر جهان گسترش یافتند. اولین نیرو، نیروی لیبرالیزاسیون<sup>۴</sup> در هر دو جنبه اقتصادی و سیاسی بود. لیبرالیسم اقتصادی از طریق گشایش بازارها، افزایش رقابت و تشویق گسترش سرمایه و مهارت‌ها، افزایش استانداردهای زندگی در کشورهایی که این استراتژی در آنها دنبال می‌شد را وعده داد. در همین زمان، لیبرالیسم سیاسی با وعده برقراری دموکراسی خود را مطرح کرد. این نیرو در عین حال پیچیدگی‌های بیش‌تری را در مسائل و فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی به‌وجود آورد.

دومین نیروی کلی محرک تغییر، انقلاب تکنولوژیک<sup>۵</sup> و به‌طور خاص انقلاب در تکنولوژی اطلاعات نام دارد. تغییر تکنولوژی تأثیرات بسیار مفیدی بر شیوه‌های کنش متقابل انسان در تجارت، مسائل عمومی و جامعه داشته است، اما این تحول نیز روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بسیار پیچیده‌تر نموده و پیش‌بینی و تثبیت این روابط را دشوارتر ساخته است.

اثرات منفی این دو نیروی فراگیر بر مؤسسات حکومتی می‌تواند برحسب دو شکاف حکومتی توصیف شود. اول، شکافی عملیاتی<sup>۶</sup> در حالی که وجود آمده است که سیاستگذاران و مؤسسات عمومی خود را فاقد اطلاعات، دانش و ابزارهای لازم برای پاسخگویی به

1. Global Public Policy Networks
2. Formal Policy Making Institutions
3. Government Agencies
4. Liberalization
5. Technological Revolution
6. Operational Gap



پیچیدگی‌های تشویش‌آور مسائل سیاسی در یک دنیای در حال لیبرالیزه، تکنولوژیک و جهانی شدن می‌یابند. شکاف دوم که با اولی در ارتباط است، شکاف مشارکتی<sup>۱</sup> است. این شکاف در شرایطی که پیچیدگی‌های فزاینده مذکور فهم مشترک از موضوعات مهم سیاسی و امکان توافق در مورد آنها را از بین می‌برد، طرح می‌شود. شبکه‌های سیاست عمومی جهانی اخیراً به عنوان شیوه‌ای برای پل زدن میان این دو شکاف به وجود آمده‌اند.<sup>(۲۸)</sup> این شبکه‌ها در سطحی جهانی و فراملی به فعالیت می‌پردازند و موضوعات و مقولات واجد ارزش بین‌المللی را بررسی می‌کنند. پیدایش و گسترش این مراکز می‌تواند موج چهارم رشد تینک‌تَنک‌ها در جهان به حساب آید.

### ۳. نقش و کارکرد مخازن اندیشه در سیاست خارجی

به اندازه افزایش پیچیدگی‌ها در معادلات و محاسبات بین‌المللی، اهمیت نیروهای کارشناسی نیز در تبیین امور و تعیین بهترین شیوه‌های نقش‌آفرینی در نظام جهانی افزایش یافته است. در چنین شرایطی مراکز پژوهشی و مطالعاتی در بسیاری از کشورها برای دخالت در روند رسمی تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی زمینه مساعدی پیدا کرده‌اند. نقش‌آفرینی این مراکز در سیاست خارجی به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. کارکردهای خاصی که آنها از خود بروز می‌دهند در بسیاری از کشورهای پیشرفته به ویژه آمریکا تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر روند سیاست خارجی دارد. البته شماری از مؤلفه‌ها از جمله چگونگی برخورد مقامات حکومتی پاسخگو با عقاید متخصصان سیاسی مشخص، هزینه‌ها و مزایای محسوس ناشی از قبول پیشنهادات آنها و اولویت تعیین شده برای یک موضوع سیاسی معین می‌تواند میزان نفوذ مخازن اندیشه بر تحولات سیاسی را تعیین کند.<sup>(۲۹)</sup> به طور کلی شیوه‌های تأثیرگذاری مخازن اندیشه بر روند سیاست خارجی یک کشور را می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

#### ۳-۱. تولید اندیشه

مهم‌ترین تأثیر مخازن اندیشه همان‌طور که از نام آنها پیداست تولید اندیشه و تفکر جدید است. این کارکرد می‌تواند تصور تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نسبت به مسائل جهانی و چگونگی پاسخگویی آنها به این مسائل را تغییر دهد. تولیدات فکری مخازن اندیشه می‌تواند

مفاهیم مربوط به منافع ملی را دستخوش تغییر کند و بر رتبه‌بندی اولویت‌های سیاست خارجی یک کشور تأثیر گذارد. این تولیدات همچنین می‌تواند نقشه راه اقدام دولتمردان در حوزه سیاست خارجی باشد، البته طبیعی است که جلب توجه آن دسته از سیاستمداران پرکاری که منابع اطلاعاتی فراوانی دارند کار آسانی نیست، برای نیل به این هدف مخازن اندیشه باید از کانال‌های متعددی برای عرضه هر چه بهتر تولیدات فکری خود استفاده کنند. این مراکز تلاش می‌کنند تا از طریق انتشار مقاله، کتاب، گزارش، تدارک برنامه‌های تلویزیونی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و فعالیت‌های اینترنتی در بازار اطلاعات جایگاه مناسبی برای خود بیابند.

بررسی برهه‌های تاریخی معین نشان‌دهنده فرصت‌هایی استثنایی است که به تزریق تفکرات جدید به عرصه سیاست خارجی منجر شده است.

وقایع جنگ جهانی دوم یکی از این برهه‌های تاریخی است. پس از پایان جنگ، شورای روابط خارجی امریکا مطالعات وسیعی را در زمینه جنگ و صلح آغاز کرد. این مطالعات به دنبال شناسایی بنیان‌ها و بنیادهای مطلوب صلح پس از جنگ بود. فعالان و مشارکت‌کنندگان در این تلاش در نهایت ۶۸۲ گزارش و یادداشت را برای وزارت خارجه درباره موضوعاتی شامل اشغال آلمان تا تأسیس سازمان ملل تهیه کردند. دو سال پس از پایان جنگ، «فارین افیرز»<sup>۱</sup> نشریه این شورا مقاله‌ای را درباره «منابع رفتار شوروی»<sup>۲</sup> منتشر کرد. این مقاله که به‌وسیله جرج کنان<sup>۳</sup> دیپلمات امریکایی نوشته شده بود در واقع بنیادهای فکری سیاست «سد نفوذ»<sup>۴</sup> را که ایالات متحده برای چهار دهه آینده باید آن را تعقیب می‌کرد فراهم ساخت.

در آخرین دهه قرن بیستم نیز فارین افیرز نظریه ساموئل هانتینگتون<sup>۵</sup> دانشمند سیاسی هاروارد درباره «برخورد تمدن‌ها»<sup>۶</sup> را منتشر کرد. این نظریه به مباحث مربوط به سیاست خارجی امریکا در دوره پس از جنگ سرد<sup>۷</sup> کمک فراوانی کرد. پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مطالعات انجام شده از سوی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل امریکا، مرکز مطالعاتی هریتیج فاندیشن و مؤسسه بروکینگز به مباحث درون حکومتی ایالات

1. Foreign Affairs
2. Sources of Soviet Conduct
3. George Kennan
4. Containment
5. Samuel P. Huntington
6. The Clash of Civilizations
7. Post Cold War Era

متحدہ دربارہ استراتژی‌های مناسب و نهادهای لازم برای مقابله با تهدیدات تروریستی در داخل و خارج، کمک کرد.<sup>(۳۰)</sup>

بدین ترتیب مراکز مطالعاتی از طریق کاوش در مسائل سیاست جهانی و در نتیجه ارتقا سطح شناخت و تولید اندیشه‌های جدید دربارہ این مسائل قادر بہ تأثیرگذاری بر فرایند تدوین سیاست خارجی هستند. البتہ این امر بہ میزان تمایل تصمیم‌گیرندگان سیاسی یک کشور در بهره‌گیری از تولیدات فکری تینک‌تنک‌ها بستگی دارد.

### ۲-۳. تأمین نیروی انسانی متخصص

علاوہ بر تولید اندیشه‌های جدید برای مقامات ارشد حکومتی، مخازن اندیشه، زنجیرہ‌ای دائمی از متخصصان را برای خدمت در دولت و مراکز اداری پارلمان تأمین می‌کنند. در کشورهایی نظیر امریکا، فرانسه یا ژاپن حکومت‌های جدید می‌توانند بہ تداوم چنین کارکردی کہ بہ‌وسیله سرویس‌های مدنی بزرگ و حرفه‌ای فراهم می‌شود تکیہ کنند. در ایالات متحدہ امریکا ہر زمان کہ انتقال قدرت صورت می‌گیرد صدها تن از پرسنل میانی و ارشد بخش‌های اجرایی تغییر می‌کنند. مخازن اندیشه بہ رئیس جمہور و وزرای جدید کمک می‌کنند تا خلأ انسانی بہ وجود آمدہ را پر کنند. جیمی کارتر پس از انتخاب شدن بہ عنوان رئیس جمہور امریکا در سال ۱۹۷۶، دولت خود را با تعدادی از نیروهای مؤسسہ بروکینگز و شورای روابط خارجی تقویت کرد. چہار سال بعد رونالد ریگان برای تأمین نیروی کارشناسی خود بہ سایر مخازن اندیشہ مراجعہ کرد، وی در دوران ریاست جمہوری خود ۱۵۰ نفر را از ہریتج فاندیشن، مؤسسہ ہوور<sup>۱</sup> و مؤسسہ اقدام امریکا بہ خدمت گرفت.

دولت کنونی ہوش نیز برای جذب نیرو در رده‌های بالاتر تشکیلات سیاست خارجی خود از الگوی مشابہ‌ای پیروی کردہ است، برای مثال در وزارت امور خارجه مقامات ارشدی کہ سابقہ فعالیت در مراکز پژوهشی را داشته‌اند عبارتند از: پائولا دبریانسکی معاون وزیر در امور جهانی و معاون ارشد سابق رئیس جمہور و مدیر سابق ادارہ شورای روابط خارجی واشنگتن، جان بولتون معاون وزیر خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل، جیمز کلی دستیار وزیر خارجه در امور شرق آسیا و اقیانوسیہ، کیم ہولمز دستیار وزیر در امور سازمان‌های بین‌المللی.<sup>(۳۱)</sup>

بدین ترتیب مخازن اندیشہ از طریق تأمین بخشی از نیروی انسانی عالی‌رتبہ دستگاہ

وزارت خارجه و دیگر نهادهای مرتبط با حوزه سیاست خارجی می‌توانند بر روند شکل‌گیری و اجرای تصمیمات مربوط به این حوزه تأثیر گذارند.

### ۳-۳. **تجمیع متخصصان سیاست خارجی**

علاوه بر ارائه عقاید جدید و عرضه نیروهای متخصص به ساختار حکومت، تینک‌تنک‌ها محیطی برای گردهمایی کارشناسان و صاحب‌نظران سیاست خارجی فراهم می‌کنند. این کارکرد، درک مشترک از گزینه‌های سیاست خارجی یک کشور در میان جامعه روشنفکری را تسهیل می‌کند. به عنوان یک قاعده، هیچ ابتکار عمده‌ای در سیاست خارجی نمی‌تواند پایدار باشد مگر این‌که این ابتکار از حمایت مؤثر جامعه کارشناسی برخوردار باشد. یکی از نتایج اصلی فعالیت تینک‌تنک‌ها ایجاد چنین جامعه‌ای است. در امریکا از میان تینک‌تنک‌های موجود، شورای روابط خارجی در ایفای این نقش ماهرترین مرکز بوده است. این شورا سالانه صدها نشست را در نیویورک، واشنگتن و شهرهای مهم امریکا برگزار می‌کند. برای مقامات امریکا فعالیت‌های انجام شده در تینک‌تنک‌های مهم، محیط بی‌طرفانه‌ای را برای اعلام ابتکارات جدید و تشریح سیاست‌های جاری فراهم می‌سازد.<sup>(۳۲)</sup>

### ۳-۴. **رابطه با مقامات دولتی**

تینک‌تنک‌ها از طریق ترتیب جلسات کارشناسی، سمینارها و کنفرانس و دعوت از تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی با مقامات دولتی ارتباط برقرار می‌کنند. از آنجایی که این مراکز به طور دائم در حال انتشار مطالعات جدید بوده و برنامه‌های تحقیقاتی جاری را با مقامات حکومتی و مراکز آکادمیک در میان می‌گذارند، برگزاری نشست‌های مشترک و سمینارها به محققان نهادهای پژوهشی فرصت مناسبی را برای عرضه عقاید و اندیشه‌های خود می‌دهد.

در امریکا برخی تینک‌تنک‌ها برای گسترش دیدگاه‌های خود دوره‌های مختلفی را برای بررسی جوانب گوناگون سیاست امریکا برگزار می‌کنند و از سیاستگذاران دولتی برای شرکت در این دوره‌ها دعوت به عمل می‌آورند. برای مثال در سال ۱۹۷۸ مؤسسه مطالعات سیاسی<sup>۱</sup> برای آموزش سیاستگذاران درباره طیف گسترده‌ای از مسائل سیاست داخلی و خارجی «مدرسه واشنگتن» را تأسیس نمود. شماری از مقامات حکومتی امریکا در این مؤسسه به

تحصیل پرداختند و در برنامه‌های آن شرکت کردند.

محققان تینک‌تنک‌ها در فرایند افزایش نقش و موقعیت خود در محیط سیاستگذاری از طریق تکیه بر کانال‌های یاد شده، قادرند با حکومت ارتباط مؤثر برقرار کنند. حضور مقامات عالی‌رتبه سابق در تینک‌تنک‌ها نیز در تسهیل دسترسی به سیاستگذاران کلیدی<sup>۱</sup> نقش مهمی ایفا می‌کند. نمونه‌های زیادی وجود دارد که مقامات حکومتی سابق پس از ترک منصب خود به مخازن اندیشه راه پیدا کرده‌اند. برای مثال ریچارد چنی وزیر دفاع سابق آمریکا پس از شکست جورج بوش پدر در انتخابات ریاست جمهوری به مؤسسه اینترپرایز آمریکا پیوست. زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر در سال ۱۹۸۰ در مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی سمی را پذیرفت. شولتز وزیر خارجه دولت ریگان پس از اتمام مسئولیتش، در مؤسسه هوور مقیم شد، و همکاران وی به هریتیج فاندیشن پیوستند.<sup>(۳۳)</sup>

در عین حال جذب کارشناسان مراکز پژوهشی در ساختارهای حکومتی مرتبط با حوزه سیاست خارجی روند تماس این مراکز با مقامات دولتی را تسهیل کرده و امکان مساعدتری برای تأثیرگذاری آنها بر سیاست خارجی فراهم می‌کند.

### ۳-۵. ارائه مشورت‌های کارشناسی

گاهی وقایعی در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی اتفاق می‌افتد که نیازمند تحلیل و تفسیر دقیق‌تر به منظور شناخت بهتر برای واکنش سریع و مناسب به آنهاست. تصمیم‌گیران اغلب فاقد زمان یا توان کافی برای تحلیل دقیق حوادث هستند. این در حالی است که تحلیلگران مراکز پژوهشی به سبب کار مداوم از تبحر و اطلاعات زیادی در زمینه‌های مختلف برخوردارند و به همین خاطر قادرند درک و شناخت بهتری از مسائل روز ارائه دهند. پس نهادهای تحقیقاتی برای بهره‌برداری از این توانایی به ارسال گزارشات و تحلیل‌های کوتاه پیرامون مسائل و رخداد‌های روز اقدام می‌کنند یا این امر به درخواست خود نهادهای تصمیم‌گیرنده صورت می‌گیرد. همچنین مؤسسات پژوهشی با ارائه مشورت به رئیس جمهور، شورای امنیت ملی، اعضای پارلمان و دستگاه سیاست خارجی از طریق حضور مستقیم در جلساتی که به‌وسیله آنها تشکیل می‌شود در فرایند سیاست خارجی ایفای نقش می‌کنند.<sup>(۳۴)</sup>

### ۳-۶. افزایش توجه افکار عمومی به سیاست خارجی

تینک‌تنک‌ها از طریق عرضه محصولات فکری در سطح جامعه، فرهنگ عمومی شهروندان را نسبت به مسائل سیاست خارجی تقویت می‌کنند. روند سریع جهانی شدن این کارکرد مخازن اندیشه را بیش از هر زمان دیگری با اهمیت ساخته است. با تقویت فرایند ادغام و همگرایی جهانی، رویدادها و نیروهای بین‌المللی، زندگی شهروندان کشورهای مختلف به ویژه کشورهای پیشرفته را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، به همین دلیل توجه به مسائل جهانی و شناخت این مسائل برای افکار عمومی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. مخازن اندیشه از راه‌های مختلف امکان آگاهی از مسائل جهانی را برای شهروندان خود فراهم می‌کنند. به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا هشتاد شورای مرتبط با مسائل جهانی گردهمایی‌های ارزشمندی در سراسر کشور ترتیب می‌دهند که در آن‌ها میلیون‌ها تن، از جمله دانشجویان قادر به مباحثه درباره وقایع بین‌المللی، شرکت می‌کنند. در آمریکا مخازن اندیشه رسمی نیز به طور فزاینده‌ای شهروندان را در مسائل جهانی درگیر می‌کنند. در سال ۱۹۹۹ مؤسسه آسپن<sup>۱</sup> ابتکار وابستگی متقابل جهانی را به راه انداخت. این ابتکار تلاشی ده ساله برای مطلع کردن افکار عمومی به شکل صحیح و برانگیختن مؤثر حمایت عمومی از آن دسته از فعالیت‌های بین‌المللی آمریکا است که متناسب و منطبق با وابستگی متقابل جهانی است.<sup>(۳۵)</sup>

مخازن اندیشه از طریق گسترش آگاهی‌های عمومی نسبت به مسائل جهانی زمینه افزایش حساسیت آنها نسبت به جهت‌گیری‌های فرامرزی کشور خود را فراهم می‌کنند. در این کشورها دولت با یک جامعه حساس نسبت به مسائل سیاست خارجی مواجه است. این وضعیت سبب می‌شود تا در تدوین و اجرای سیاست خارجی عنصر افکار عمومی بیش از گذشته مدنظر تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد.

### ۳-۷. حل و فصل اختلافات و ایجاد اجماع

سرانجام، مخازن اندیشه می‌توانند از طریق حمایت و زمینه‌سازی برای انجام گفتگوهای حساس و ایفای نقش میانجی بین طرف‌های درگیر در سیاست خارجی نقش فعال‌تری را برعهده گیرند. در برخی موارد مراکز پژوهشی با دعوت از گروه‌های درگیر در یک منازعه و ترتیب جلسات مشترک برای حل اختلاف میان آنها تلاش می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این وظیفه غالباً از سوی تینک‌تنک‌های معتبر و قدرتمند جهانی انجام می‌گیرد. به

1. Aspen Institute

عنوان مثال مؤسسه امریکایی صلح<sup>۱</sup> برای مدت زمانی طولانی با عنوان مذاکرات «تراک دو»<sup>۲</sup> به صورت غیررسمی یک چنین وظیفه‌ای را به انجام رسانده است. این مؤسسه همچنین مقامات امریکا را برای میانجیگری در منازعات بلندمدت آموزش می‌دهد، اما سایر مخازن اندیشه در امریکا به ویژه انواع سنتی‌تر آن‌ها مسئولیت خود برای مشارکت در فرایند دیپلماسی بازدارنده، مدیریت مناقشه و حل و فصل آن را گسترش داده‌اند. مؤسسه کارنگی در اواسط دهه هشتم قرن بیستم میزبان مجموعه‌ای از جلسات در واشنگتن بود که سیاستمداران، روحانیون، بازرگانان، نمایندگان کارگران و اعضای کنگره و مقامات اجرایی برجسته آفریقای جنوبی را گرد هم آورد. این اجتماع که برای مدت هشت سال ادامه داشت، به برقراری مذاکره اولیه میان طرفین کمک کرد و اجماعی را درباره آینده آفریقای جنوبی طی یک دوره حساس انتقال قدرت سیاسی به وجود آورد. به همین منظور مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل امریکا برای بهبود روابط قومی در حوزه یوگسلاوی سابق و تسهیل گفتگو میان یونان و ترکیه پروژه‌هایی را آغاز کرده است.<sup>(۳۶)</sup>

مراکز پژوهشی و مطالعاتی معتبر امروزه از طریق تهیه برخی اقدامات مشابه نقش مؤثر خود را در فرایندهای سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی به مرحله اجرا می‌گذارند.

#### ۴. نقش مخازن اندیشه در سیاست خارجی امریکا (مطالعه موردی)

در میان مراکز پژوهشی و مطالعاتی موجود در دنیا، مخازن اندیشه امریکایی بیش‌ترین میزان فعالیت و نقش‌آفرینی در حوزه سیاست خارجی را داشته‌اند. به همین دلیل در بسیاری از بررسی‌های انجام شده درباره نقش مراکز تحقیقاتی در فرایند سیاستگذاری خارجی به عملکرد مخازن اندیشه امریکا توجه ویژه‌ای شده است. مخازن اندیشه در امریکا سه تحول عمده را در دهه‌های اخیر تجربه کرده‌اند که عبارتند از:

۱. تعداد آن‌ها به طور اساسی افزایش یافته است.
۲. بسیاری از مخازن اندیشه به ویژه انواع جدیدتر آنها مأموریت‌های ایدئولوژیکی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.
۳. بسیاری از این مراکز به ویژه انواع جدیدتر آن‌ها هوادار و مروج سرسخت تحقیقات و ایده‌های خود بوده‌اند.<sup>(۳۷)</sup>

1. U.S. Institute of Peace  
2. Track II

#### ۴-۱. مراحل رشد و گسترش مخازن اندیشه در امریکا

اغلب محققانی که درباره رشد و توسعه مخازن اندیشه در امریکا مطالعه کرده‌اند معتقدند که ماهیت غیرمتمرکز نظام سیاسی امریکا همراه با عدم دیسپیلین خشک حزبی و تزریق گسترده سرمایه از سوی بنیادهای خیریه به صورت گسترده‌ای به توسعه مخازن اندیشه در امریکا در طول ربع قرن گذشته کمک کرده است. متأسفانه این محققان درباره این که اولین مخازن اندیشه در امریکا چه زمانی تأسیس شد یا این که اصولاً چه مؤلفه‌هایی تشکیل‌دهنده چنین موجودیتی هستند توافق ندارند.

با این حال گفته می‌شود که اولین موج عمده مخازن اندیشه فعال در حوزه سیاست خارجی در ایالات متحده امریکا از اوایل قرن بیستم میلادی در نتیجه علاقه روشنفکران و مراکز برجسته بشردوستانه به ایجاد نهادهایی که محققان و مقامات بخش‌های عمومی و خصوصی برای مذاکره و مناظره درباره مسائل جهانی بتوانند در آنها گرد هم آیند به وجود آمد. به طور خاص سه مؤسسه در دهه‌های اولیه قرن بیستم حضور خود را به نمایش گذاردند، مؤسسه کارنگی (۱۹۱۰)، مؤسسه هوور درباره جنگ، انقلاب و صلح (۱۹۲۱) و شورای روابط خارجی (۱۹۲۱) که از یک باشگاه ماهانه میهمانی به یکی از ارزشمندترین مؤسسات فعال جهان در حوزه سیاست خارجی تبدیل شد. دو مرکز مطالعاتی دیگر به نام مؤسسه تحقیقات حکومتی<sup>۱</sup> (۱۹۱۶) که بعداً برای ایجاد مؤسسه بروکینگز (۱۹۲۷) با دو مؤسسه دیگر ادغام شد و مؤسسه اینترپرایز امریکا برای تحقیقات سیاست عمومی (۱۹۴۳) توجه قابل ملاحظه‌ای را به سلسله گسترده‌ای از مسائل سیاست خارجی معطوف داشتند. این مراکز و سایر مخازن اندیشه که در اولین دهه‌های قرن بیستم به وجود آمدند متعهد شدند که مهارت‌های علمی خود را درباره مسائل سیاسی به کار گیرند. اگر چه محققان این مراکز گهگاه به سیاستمداران مشاوره می‌دادند، اما هدف اولیه آنها اثرگذاری مستقیم بر تصمیمات سیاسی نبود، بلکه آنها در پی کمک به آموزش سیاستمداران و آحاد مردم و اطلاع‌رسانی به آنها درباره نتایج بالقوه تعقیب شماری از انتخاب‌های موجود در حوزه سیاست خارجی بودند.

پس از جنگ جهانی دوم نیاز به امر مشاوره مستقل در سیاست خارجی برای سیاستمداران امریکایی اهمیت بیش تری پیدا کرد. تصمیم‌گیرندگان امریکایی که با

1. Institute for Government Research



مسئولیت‌های فزاینده تبدیل کشورشان به یک قدرت هژمون<sup>۱</sup> در جهانی دو قطبی<sup>۲</sup> روبه‌رو بودند متقاضی مشورت تینک‌تنک‌هایی شدند که می‌توانستند در توسعه یک سیاست امنیت ملی منسجم و مستحکم<sup>۳</sup> به آنها کمک کنند. مؤسسه رند در ماه می ۱۹۴۸ برای تقویت و حفظ منافع امنیتی امریکا در عصر سلاح‌های هسته‌ای تأسیس شد. این مؤسسه برای پر کردن خلأ در حوزه تحقیقات سیاست خارجی راهنمای نسل جدیدی از مخازن اندیشه و مؤسسات تحقیقات سیاسی شد که عمدتاً از سوی حکومت ایجاد شده و به دنبال حل‌وفصل نگرانی‌های خاص سیاستمداران بودند.

در سه دهه اخیر مخازن اندیشه‌ای که دارای جهت‌گیری جانبدارانه هستند در امریکا رشد قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند. این مراکز از طریق ترکیب تحقیق سیاسی با تکنیک‌های بازاریابی فعال به عنوان کارکردی مشترک با سایر گروه‌های ذی‌نفع به طور بنیادین ماهیت و نقش مجموعه مخازن اندیشه را تغییر داده‌اند. برخلاف مخازن اندیشه اوایل قرن بیستم که مایل به درگیر شدن در مناظرات سیاسی نبودند، این مخازن اندیشه با جهت‌گیری جانبدارانه شامل مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل (۱۹۶۲)، بنیاد هریتیج (۱۹۷۳) و مؤسسه کاتو (۱۹۷۷) از فرصت تأثیرگذاری بر جهت و محتوای سیاست خارجی استقبال می‌کنند. با رقابتی‌تر شدن مخازن اندیشه در امریکا اغلب این مراکز اهمیت جلب توجه افکار عمومی و سیاستمداران را بیش‌تر درک می‌کنند.

جدیدترین نوع مخازن اندیشه که در محیط سیاستگذاری خارجی ظهور پیدا کرده‌اند، مراکزی هستند که برخی‌ها آنها را مخازن اندیشه میراث محور نام نهاده‌اند. این مخازن اندیشه از جمله مرکز کارتر<sup>۴</sup> و مرکز نیکسون<sup>۵</sup> مراکزی هستند که با هدف برقراری یک میراث پایدار در حوزه سیاست خارجی و داخلی به‌وسیله رؤسای جمهور سابق امریکا ایجاد می‌شوند. آن‌ها سلسله گسترده‌ای از نشریات و کتب را تولید، و سمینارها و کارگاه‌های آموزشی را برگزار می‌کنند همچنین تحقیق پیرامون شماری از موضوعات سیاسی را انجام می‌دهند.<sup>(۳۸)</sup>

1. Hegemonic Power
2. Bi- Polar World
3. Coherent and Sound National Policy
4. Carter Centre
5. Nixon Centre

## ۲-۴. نقش و تأثیر عینی در سیاست خارجی امریکا

مراکز پژوهشی در امریکا برای انتقال ایده‌های خود به مخاطبان خود از کانال‌های بسیاری استفاده می‌کنند. در حالی که بسیاری از این کانال‌ها می‌توانند به طور مستقل و جداگانه و برای هدف‌های مختلف استفاده شود، اما مخازن اندیشه در تلاش برای تأثیرگذاری بر محتوا و نتیجه مناظرات کلیدی سیاسی به‌طور مرتب به ترکیبی از این کانال‌ها تکیه می‌کنند. رأی‌کنگره در سال ۱۹۹۳ درباره تصویب موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی<sup>۱</sup> و مذاکرات کنگره و دولت درباره اصلاح بخش مراقبت‌های بهداشتی تنها دو نمونه از موارد مربوط به تلاش مخازن اندیشه برای تأثیرگذاری بر موضوعات مهم هستند. تشخیص میزان توانایی مخازن اندیشه برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کاخ سفید امری دشوار است.

امریکا در جریان انتخابات ریاست جمهوری شاهد بیش‌ترین مشارکت مخازن اندیشه برای توسعه و تنقیح عقاید و اندیشه‌ها است. در بسیاری از انتخابات اخیر امریکا، کاندیداهای ریاست جمهوری آشکارا طرح‌ها و برنامه‌هایی که به‌وسیله تینک‌تنک‌ها تهیه شده‌اند را تأیید می‌کنند، این برنامه‌ها ترسیم‌کننده اولویت‌های سیاست داخلی و خارجی دولت آتی است. علاوه بر مشارکت در مبارزات انتخاباتی و ارائه مطالعات مستقل به کاندیداهای مراکز پژوهشی در امریکا به استراتژی‌های دیگر برای دستیابی به تصمیم‌گیرندگان وابسته هستند. رایج‌ترین روش‌ها دعوت اعضای کنگره، دولت، بخش‌های بوروکراتیک و کارمندان آنها و نیز ژورنالیست‌ها و سایر نمایندگان افکار عمومی به ضیافت‌های شام، ناهار، سمینارها و کنفرانس‌ها است. این گردهمایی‌ها فرصت مناسبی برای مراکز پژوهشی ایجاد می‌کند تا ایده‌های خود را به مخاطبان انتقال دهند.

با توجه به تعداد متخصصان در مخازن اندیشه، تعجب‌آور نیست که سیاستمداران امریکایی برای اخذ مشاوره مرتب به این مراکز مراجعه می‌کنند. از طرف دیگر محققان مخازن اندیشه در ازای ارائه نظر درباره مسائل مهم سیاسی، به شیوه‌های مختلفی قدردانی می‌شوند.

در برخی مواقع از این محققان به عنوان کارشناس برای بررسی طیف وسیعی از مسائل، قبل از آن‌که کمیته‌های اصلی و فرعی کنگره به آنها بپردازند دعوت می‌شود. برای مثال در سال ۱۹۹۱، ۴۶ تن از اعضای مؤسسه بروکینگز، ۱۸ تن از مؤسسه اینترپرایز امریکا

1. North American Free Trade Agreement

و ۱۶ نفر از مؤسسه استراتژی اقتصادی<sup>۱</sup> پیش از کمیته‌های پارلمانی<sup>۲</sup> در جریان یک سری از موضوعات قرار گرفتند. این امر کانال مهمی را در اختیار محققان مراکز پژوهشی قرار می‌دهد تا از طریق آن به طور مستقیم به اظهارنظر درباره قوانین پیشنهادی بپردازند. ضمن آن‌که چنین ارتباطی به برخی تینک‌تنک‌ها اجازه می‌دهد تا برای خود در نزد تصمیم‌گیرندگان اعتبار بیشتری کسب کنند.

مؤسسه هریتیج فاندیشن، مؤسسه اینترپرایز امریکا و تعداد دیگری از مخازن اندیشه‌ای که در امور خارجی تخصص دارند منابع قابل ملاحظه‌ای را برای مطلع ساختن سیاستگذاران در کاخ سفید و کنگره درباره موضوعات عمده سیاست خارجی اختصاص می‌دهند. مخازن اندیشه امریکایی همچنین اهمیت تحکیم روابط با مقامات نهادهای اصلی مسئول امریکا در حوزه روابط بین‌الملل از جمله وزارت خارجه، وزارت دفاع و شورای امنیت ملی<sup>۳</sup> را به رسمیت می‌شناسند.

دسترسی به شورای مشاوران رئیس جمهوری که با سیاست خارجی ارتباط دارند یک ابزار مضاعف برای محققان مخازن اندیشه است که می‌توانند برای ابراز عقاید خود از آن استفاده کنند.

همچنین وزارت امور خارجه امریکا از طریق برنامه دیپلمات مقیم<sup>۴</sup> خود روابط رسمی با بسیاری از تینک‌تنک‌ها را حفظ می‌کند. دیپلمات‌ها در میان مأموریت‌های خود می‌توانند برای نوشتن و انجام تحقیق و ارائه سخنرانی در مخازن اندیشه مقیم شوند. در همین چارچوب دیپلمات‌های امریکایی در مؤسسه اینترپرایز امریکا، مؤسسه هور، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل امریکا، شرکت رند، شورای روابط خارجی، مؤسسه کارنگی و اخیراً در هریتیج فاندیشن کار می‌کنند.

در کاخ سفید، اعضای مخازن اندیشه برای مشارکت در تدوین و توسعه سیاست فرصت‌های متعددی دارند. محققان این مراکز از طریق مشارکت در هیأت مشاوره اطلاعات خارجی رئیس جمهور، هیأت مشاوره سیاست اقتصادی و کمیته مشاوره عمومی رئیس جمهور درباره کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌توانند تأثیر مستقیمی را بر سیاست‌های خارجی مدنظر رئیس جمهور بر جای گذارند. مشاوران سیاسی از طریق فعالیت در هیأت مشاور

---

1. Economic Strategy Institute  
2. Congressional Committees  
3. National Security Council (NSC)  
4. Diplomat in Residence

اطلاعات خارجی رئیس جمهور به اطلاعات بسیار حساس دسترسی پیدا می‌کنند. آنها همچنین در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند داده‌های مستقیم را به مجموعه تصمیمات سیاست خارجی که به‌وسیله رئیس جمهور اتخاذ می‌شوند وارد کنند. مشارکت در سایر مجموعه‌های مشورتی به اعضای مخازن اندیشه فرصت‌های بیشتری را برای درگیر شدن در فرایند سیاستگذاری خارجی به وجود می‌آورد.<sup>(۳۹)</sup>

در مجموع، مخازن اندیشه در امریکا از طریق کانال‌های مختلف به طور فعال در فرایند سیاستگذاری دخیل شده‌اند، چه از طریق دعوت از اعضای کنگره و دولت به سمینارها و کنفرانس‌ها یا از طریق پذیرش پست‌های عالی‌رتبه حکومتی یا مشورتی که نمونه‌هایی از آن در بخش قبل ذکر شد. محققان مراکز پژوهشی روابط گسترده‌ای را با سیاستمداران کلیدی برقرار ساخته‌اند. با وجود این در حالی که مخازن اندیشه امریکایی به تخصیص منابع قابل ملاحظه برای ایجاد و تقویت روابط با سیاستگذاران ادامه می‌دهند، برای افزایش حضور خود در محیط سیاستگذاری به طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جمعی نیز اتکا می‌کنند. در این راستا مخازن اندیشه برای تأثیرگذاری بر افکار و سیاست‌های عمومی دیگر، فقط به کانال‌های حکومتی اتکا ندارند، بلکه آنها برای افزایش قدرت رقابت خود در بازار عقاید، در فکر به رسمیت شناختن اهمیت دسترسی به مخاطبین بیشتر، متنوع‌تر و به طور بالقوه بانفوذتر هستند. سیاستگذاران اغلب تحت تأثیر افکار عمومی و افکار عمومی اغلب تحت تأثیر گزارشات رسانه‌های خبری<sup>۱</sup> هستند. به علاوه، بیش‌تر سیاستگذاران، مشاوران آنها و آحاد مردم درباره مسائل سیاسی نکاتی را از طریق رسانه‌های خبری آموخته‌اند، از این‌رو تعجب‌آور نیست که بسیاری از محققان مخازن اندیشه بخش مناسبی را به تلاش برای عرضه ایده‌ها و یافته‌های خود از طریق رسانه‌های خبری اختصاص دهند. این امر به شکل مصاحبه با رادیو و تلویزیون و چاپ مقالات عمومی برای سرمقاله روزنامه‌ها، سخنرانی‌های عمومی و ارائه مقالات به مجلات علمی<sup>(۴۰)</sup> صورت می‌پذیرد. این وضعیت سبب شده است که محیط و فضای مناسبی برای نقش‌آفرینی مؤسسات پژوهشی معتبر امریکا در فرایند تدوین سیاست خارجی این کشور به وجود آید.

برای درک عمیق‌تر نقش واقعی مراکز مطالعاتی در تصمیمات سیاست خارجی امریکا می‌توان از مطالعات موردی بهره گرفت. در این‌جا می‌توان به نقش این مراکز در سیاست

ایالات متحده نسبت به مسأله گسترش ناتو<sup>۱</sup> اشاره کرد. مخازن اندیشه آمریکا در توسعه و ایجاد حمایت از تصمیم آمریکا برای گسترش ناتو نقشی کلیدی ایفا کردند. دلایل مختلفی برای ایفای چنین نقشی وجود داشت، اول آن که در اوایل دهه نهم قرن بیستم تحت تأثیر فضای جدید سیاست بین‌المللی تقاضای زیادی برای تفکرات جدید در اروپا و آمریکا و در حکومت‌های این دو قاره وجود داشت. در شرایطی که حکومت‌ها برای ارائه این تفکرات که باید متناسب با تحولات نظام بین‌الملل نوین می‌بود، آمادگی کاملی نداشتند، مخازن اندیشه نقش اصلی را برای ارائه ایده‌های جدید بر عهده گرفتند. در این میان مسأله گسترش اتحادیه ناتو به عنوان یکی از مسائل پس از جنگ سرد مطرح شد و مراکز پژوهشی نیز به ویژه در آمریکا مطالعه و بررسی درباره آن را آغاز کردند.

مسأله دومی که موجب نقش‌آفرینی مخازن اندیشه آمریکا درباره مسأله گسترش ناتو شد این بود که در اوایل دهه مورد نظر تلاش‌های اولیه حکومت آمریکا برای درگیر شدن در موضوعات جدید جهانی از جمله مسأله گسترش ناتو اختلافات و دسته‌بندی‌های مهمی را در درون حکومت این کشور به وجود آورد. در همین راستا بسیاری از بازیگران در ساختار حکومتی آمریکا برای کسب اطلاعات و تحلیل‌های بیشتر به مراکز خارج از حکومت توجه کردند. نتیجه امر این بود که مقامات ارشد آمریکا به شکل فزاینده‌ای به مخازن اندیشه روی آوردند و آنها را به مباحث درون سازمانی کشاندند که معمولاً این امر به صورت غیرآشکار صورت می‌گیرد.

با توجه به اهمیت مسأله گسترش ناتو در اوایل دهه نهم قرن بیستم کسب نظر از مخازن اندیشه درباره این مسأله، بسیار مدنظر قرار گرفت. مؤسسه رند مجموعه‌ای از مطالب تحلیلی را منتشر ساخت که دلایل منطقی توسعه این اتحادیه، مسائل عملی چگونگی انجام آن، هزینه‌های مربوطه و تأثیرات آن بر روسیه و سایر کشورهایی که به عضویت ناتو در نمی‌آمدند را بررسی می‌کرد. این مؤسسه یک موضع رسمی را در حمایت یا مخالفت با توسعه ناتو اتخاذ نکرد. این مرکز در درجه اول و پیش از هر چیز نقش خود را کم‌رسانی به سیاستگذاران در فهم مسائل، انتخاب‌ها و تبادلات مربوط به این مسأله قلمداد کرد و به آنها امکان داد تا به سهم خود تصمیمات آگاهانه‌تری را در این باره اتخاذ کنند.

به جز مؤسسه رند برخی از مراکز پژوهشی دیگر در تبیین موضوع گسترش ناتو به ایفای نقش پرداختند. در نتیجه چندین مخزن اندیشه در یک دوره زمانی به بخشی

غیررسمی، اما واقعی از یک فرایند و مناظره درون سازمانی درباره سیاست امریکا نسبت به آینده ناتو تبدیل شدند. نوشته‌ها و یادداشت‌های آن‌ها، جزء لاینفک مناظرات روشنفکری و سیاسی درباره این مسأله تبدیل شد. تحلیلگران و محققان مخازن اندیشه با مقامات بلندپایه به صورت نزدیک به همکاری پرداختند و برای ارائه اطلاعات به جلسات رسمی دعوت شدند. تا اواسط این دهه نقش مخازن اندیشه در مناظره مربوط به گسترش ناتو متغیر بود. مناظرات در درون حکومت امریکا بیش از پیش حل شده بود، اما مناظرات عمومی درباره گسترش ناتو تازه آغاز شده بود. زمانی که این موضوع به مسأله محوری یک مناظره پرشور تبدیل شد، سایر تینک‌تنک‌ها برای کمک به فراهم کردن محلی برای انجام مذاکرات عمومی‌تر پیرامون این مسأله تلاش کردند. شورای روابط خارجی، مؤسسه بروکینگز و مرکز ابتکار جدید آتلانتیک همگی برای ایجاد گروه‌های مطالعاتی و دیگر طرح‌ها برای گفتگو و مناظره در خصوص موضوع گسترش ناتو اقدام کردند.

به همین دلیل کم‌تر موضوعی به اندازه این موضوع در اواسط و اواخر دهه نهم قرن بیستم مورد توجه و مناظره در حوزه سیاست عمومی قرار گرفت.<sup>(۴۱)</sup> تحلیلگران و صاحب‌نظران سیاسی توجه مراکز پژوهشی امریکا به موضوع گسترش ناتو را از عوامل مؤثر در افزایش اهمیت این موضوع در تشکیلات تصمیم‌گیری واشنگتن می‌دانند. این مسأله می‌تواند الگوی مناسبی در بررسی نقش تینک‌تنک‌ها در پیدایش و پرورش موضوعات سیاست خارجی باشد.

## نتیجه‌گیری

روند تحولات جهانی در دهه‌های اخیر افزایش پیچیدگی معادلات بین‌المللی در سطوح خرد و کلان را به دنبال داشته است. شتاب و تنوع تحولات بین‌المللی دامنه تأثیرپذیری بازیگران رسمی نظام بین‌الملل در امور خارجی را بیش از هر زمان دیگر وسعت بخشیده و توانایی‌های کنترلی آنها نسبت به امور فراروی را کاهش داده است. همین مسأله ضرورت آگاهی روزافزون از شرایط بین‌المللی برای تدوین سیاست خارجی موفق را دو چندان ساخته است. این در حالی است که قابلیت داخلی حکومت‌ها برای پیش‌بینی و تأمل بلندمدت و مفهومی پیرامون پدیدارهای جهانی همچنان دچار محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای است. در چنین شرایطی ضرورت بهره‌گیری از توانایی‌ها و تولیدات مراکز فکری و مطالعاتی برای تأمین جنبه‌های شناختی تصمیمات سیاست خارجی اهمیت زیادی پیدا کرده است. این

وضعیت در بسیاری از کشورها محیط مناسبی را برای نقش‌آفرینی مراکز مذکور در پروسه تدوین سیاست خارجی فراهم ساخته است. نهادهای پژوهشی از طریق تولید و توزیع اندیشه به تبیین بهتر امور برای تصمیم‌گیرندگان پرداخته و ذهنیت آنها نسبت به مسائل سیاست خارجی را روشن‌تر می‌سازند. نظرات کارشناسی این مراکز می‌تواند از داده‌های مهم در روند سیاستگذاری خارجی و از عوامل مؤثر بر برون‌دادهای فرامرزی یک کشور به حساب آید. البته میزان نقش‌آفرینی مراکز پژوهشی در روند سیاست خارجی در درجه اول بستگی به آمادگی حکومت‌ها برای بهره‌گیری از نظرات کارشناسی این مراکز و کاربرد تولیدات آنها در تعیین تصمیمات خارجی دارد.

با این حال ضرورت ساده‌سازی و تبیین امور بین‌المللی در فرایند تدوین سیاست خارجی به تدریج مراجعه به نیروها و نهادهای کارشناسی و پژوهشی را به یک امر اجتناب‌ناپذیر در امر دولت‌مداری تبدیل می‌سازد. توجه به نقش و نظر این نیروها از جمله عوامل مؤثر در تدوین و اجرای یک سیاست خارجی موفق به حساب می‌آید. کما این‌که مطالعه فرایند تدوین سیاست خارجی بسیاری از کشورهای ذی‌نفوذ و قدرتمند در عرصه نظام بین‌الملل مؤید توجه تشکیلات تصمیم‌گیری آنها به نظرات نهادهای پژوهشی و کارشناسی در امر سیاستگذاری خارجی است. واقعیات کنونی، از ارتقای نقش و جایگاه این مراکز در مسائل بین‌المللی حکایت دارد. از سوی دیگر ویژگی فراملی بسیاری از مشکلات و مسائل بین‌المللی محرکی برای همکاری تحقیقاتی، شراکت اطلاعاتی و همکاری درباره سایر فعالیت‌هایی است که مخازن اندیشه را برای برآوردن مطالبات حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه اطلاعات، تحلیل و سایر خدمات پژوهشی وارد یک قلمرو جهانی می‌کند. مخازن اندیشه از طریق تحلیل مشکلات و ارائه راهکار، دولتمردان را در اتخاذ تصمیمات یاری می‌دهند. می‌توان این فرضیه را تأیید کرد که بهره‌مندی از تولیدات مراکز فکری و پژوهشی شرط لازم برای تدوین و اجرای یک سیاست خارجی موفق در نظام بین‌الملل است.

از این‌رو تلاش برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت ایجاد و تقویت این مراکز و توجه به نظرات و توصیه‌های آنها، یکی از الزام‌های منطقی هر حکومتی در فرایند تعیین اولویت‌ها و سیاست‌های خارجی خویش است. به‌طور مسلم در جمهوری اسلامی ایران نیز فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری و توسعه این قبیل مراکز پژوهشی از یکسو و ایجاد بسترهای منطقی برای تأثیرگذاری آنها بر فرایند سیاست خارجی از طریق دریافت و

به کارگیری نظرات و دیدگاه‌های این مراکز از سویی دیگر، یکی از عوامل مؤثر در افزایش کارایی و بازدهی تصمیمات سیاست خارجی کشور در حوزه‌های موضوعی مختلف است. تلاش برای مشارکت مخازن اندیشه در این فرایند می‌تواند بسیاری از پیچیدگی‌های موجود در مسائل جاری و آتی سیاست خارجی کشور را کاهش دهد و برون‌دادهای کشور در عرصه سیاست بین‌الملل را به طور مؤثری تقویت کند. نهادهای تصمیم‌ساز کشور در فرایند دستیابی به این مطلوبیت می‌توانند نقش مؤثری را ایفا کنند. در این میان مجلس شورای اسلامی که نهاد قانونگذار کشور است می‌تواند از طریق تمهید و تصویب قوانین مناسب زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری، توسعه و تقویت مخازن اندیشه در ایران را فراهم کند و از این طریق در تقویت شاخه پژوهشی و علمی تصمیمات سیاست خارجی کشور نقشی قاطع و تاریخی ایفا نماید.





### پی‌نوشت‌ها

1. Diane Stone and Heidi Ullrich, *Policy Research Institutes and Think Tanks in Western Europe: Development Trends and Perspectives*, (Budapest: Open Society Institute, 2003), p.5.
2. Donald E. Abelson, *American Think – Thanks and Their Role in US Foreign Policy* (Britain: Mac Milian Press, 1996), pp. 3-4.
3. Andrew Denham, Mark Garnett, "Rethinking Think Tanks: A British Perspective". [www.psa.ac.uk](http://www.psa.ac.uk).p.324
4. James MCGann, "Responding to 9/11: Are Think Tanks Thinking Outside the Box?" [www.fpri.org](http://www.fpri.org), p.7.
5. Georgina Murray, "Think Tanks, Economic Liberalism and Industrial Relations". [www.griffith.edu.au](http://www.griffith.edu.au)
6. "Think Tanks", [www.Disinforpedia.org/wiki.pht](http://www.Disinforpedia.org/wiki.pht). ml
7. Stone and Ullrich, *Op.cit*, pp. 5-6.
8. Strobe Tolbott, "The Brookings Institution: How A Think Tank Works", [Usinfo.State.gov/Journals](http://Usinfo.State.gov/Journals)
9. Ibid.
10. Andrew Rich, "US. Think Tanks and The Intersection of Ideology, Advocacy, and Influence", *NIRA Review*, Winter 2001, p. 55.
11. MCGann, *Op.cti*, p.7.
12. Ibid, p. 7.
13. Ibid, p. 7.
14. Stone and Ullrich, *op.cit*, p.56.
15. Ibid, pp. 56-57.
16. Murray, *op.cit*, p.7.
17. "Think Tanks in brief", [Usinfo.State.gov/Journals/itps](http://Usinfo.State.gov/Journals/itps).
18. Ibid.
19. Talbott, *op.cit*.
20. Mc Gann, *op.cit*, p. 8.
21. Ibid, p. 8.
22. Stone and Ullrich, *op.cit*, p. 9.

23. Ibid, pp. 10-11.
24. Ibid, pp. 11-12.
25. James G. Mc Gann, "Think Tanks and the Trans nationalization of Foreign Policy", *U.S. Foreign Policy AGENDA* (Vol. 7, Number 3, November 2002), p. 17.
26. Diane Stone, "Think Tanks across nations: The New Networks of Knowledge", *NIRA Review*, Winter 2000, p. 34.
27. Wolfgang H. Reinicke, "The World Wide Web: Global Public Networks", *Foreign Policy*, Winter 1999.
28. Wolfgang H. Reinicke and Francis M. Deng, "The United Nations, Networks, and the Future of Global Governance, www.global public policy.net, pp. 6-7.
29. Abelson, *op.cit*, p. 73.
30. Richard N. Haass, "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Policy – maker's Perspective", *U.S. Foreign Policy Agenda*, (Volume 7, Number 3, November 2002), p. 6.
31. Ibid, p. 7.
32. Ibid, p. 8.
33. Abelson, *op. cit*, pp. 67-70.
۳۴. نبی سنبلی، «نقش پژوهش و مؤسسات پژوهشی در سیاست خارجی امریکا»، فصلنامه سیاست خارجی (سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱) صص ۱۰۹۳-۱۰۹۲.
35. Haass, *Op.cit*, p. 8.
36. Ibid, p. 8.
37. Rich, *Op.cit*, p. 54.
38. Donald E. Abelson, "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Historical Perspective", *U.S. Foreign Policy Agenda*, November 2002, pp. 9-11.
39. Abelson, American Think – Tanks and their Role in U.S. Foreign Policy, *Op.cit*, pp.67-77.
40. Talbott, *Op.cti*.
41. Ronald D. Asmus, "Having an Impact: Think Thanks and the Nato Enlargement Debate", *U.S. Foreign Policy Agenda*, November 2002, pp. 30-31.

## منابع و مأخذ

۱. سنبلی، نبی. «نقش پژوهش و مؤسسات پژوهشی در سیاست خارجی امریکا»، فصلنامه سیاست خارجی (سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱) صص ۱۰۹۳-۱۰۹۲.
2. Abelson, Donald. *American Think Tanks and their Role in U.S. Foreign Policy*, Britain: Mac Milian press. 1996.
3. Abelson, Donald. "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Historical Perspective", *U.S. Foreign Policy Agenda*, November 2002.
4. Asmus, Ronald. "Having an Impact: Think Tanks and the Nato Enlargement Debate", *U.S. Foreign Policy Agenda*, November 2002.
5. Denham, Andrew. Garnett Mark, "Rethinking Think Tanks: A British Perspective", [www.psa.ac.uk](http://www.psa.ac.uk)
6. Haass, Richard. "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Policy-Maker's Perspective", *U.S. Foreign Policy agenda*, Vol. 7, Number 3, November 2002
7. Mc Gann, James. "Responding to 9/11: Are Think Tanks Thinking Outside the Box? ", [www.fpri.org](http://www.fpri.org)
8. Mc Gann, James. "Think Tanks and the Trans-nationalization of Foreign Policy", *U.S. Foreign Policy Agenda*, Volume, Number 3, November
9. Murray, Georgina, "Think Tanks, Economic Liberalism and Industrial Relations", [www.griffith.edu.au](http://www.griffith.edu.au)
10. Reinicke, Wolfgang. "The World Wide Web: Global Public Networks", *Foreign Policy*, Winter 1999.
11. Reinicke, Wolfgang. Deng, Fracis. "The United Nations, Networks, and the Future of Global Governance. [www.global public policy.net](http://www.global public policy.net)
12. Rich, Andrew, "U.S. Think Tanks and the Intersection of Ideology, Advocacy and Influence", *NIRA Review*, Winter 2001.
13. Stone, Diane. Ullrich, Heidi. *Policy Institutes and Think Tanks in Western Europe: Development Trends and Perspectives*, Budapest: Open Society Institute, 2003.
14. Stone, Diane. Think Tanks across Nations: the New Networks of Knowledge", *NIRA Review*, Winter 2000.
15. Tolbott, Strobe. "The Brooking Institution: How a Think Tank Works", *us info.State gov/Journals*